



# نقاره زنی و نقاره خانه

## در اصفهان عصر صفوی

فرید طیبی پور  
دبیر تاریخ - اصفهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقاره عنوانی بوده که به گروهی از سازهای گوناگون چون طبل، شیور، کوس، سرنا، دهل، دمامه، و مواردی از این قبیل و صداها و لحن‌هایی که از آن‌ها برمی‌خاست، گفته می‌شده است [مشحون، ۱۳۷۳: ۳۰۳]. در گذشته، این آلات ضربه‌ای بودند و با چوب و یا نواری از چرم نواخته می‌شدند. آن‌چه که می‌تواند برای هر فرد کنجکاو و علاقه‌مندی جالب باشد آن است که در گذشته نقاره را اصطلاحاً نوبت و نوازندگان آن را نوبتی (نوبت‌زن)، نوبت‌نواز و یا نقاره‌چی می‌نامیدند؛ در این راستا **امیر خسروی دهلوی** در دیوان شعر خود پیرامون این موضوع می‌سراید:

چو نوبت زنت گشت نوبت نواز  
ز غلغل سر آسمان گشت باز

حال شاید چنین پرسشی در ذهن فردی کنجکاو و علاقه‌مند ایجاد شود که این ساز را کجا و به چه هنگام می‌نواختند؟ در پاسخ باید گفت:

یکی از سنت‌های باستانی که در حفظ موسیقی اصیل ایران و غنابخشی به آن تأثیری عمیق و به‌سزا داشت و تا سال‌های پایانی دوران حاکمیت قاجار تداوم یافت، «نقاره‌زنی» بوده است. این هنر که از دوران باستان در این سرزمین رواج داشته است و از آن به‌عنوان سنتی کهن و دیرین یاد می‌شود، با ورود اسلام به ایران نه تنها منسوخ نشد، بلکه غنای بیشتری نیز یافت. حتی در بسیاری از مواقع در مناسبت‌های گوناگون، در جهت تکمیل اجرای مراسم و یا در جهت ارزشمندتر کردن این‌ها مورد استفاده قرار گرفت که ما نمونه‌هایی از آن را دیده‌ایم. شاید ملموس‌ترین آن‌ها اجرای مراسم نقاره‌زنی در حرم **امام‌رضا(ع)** باشد که امروزه نیز پس از قرن‌های متمادی، همچنان اجرا می‌شود، و یا انجام آن به منظور اعلام آغاز سال نو.

در دوره‌ی صفوی نیز، هم‌چون سایر ادوار گذشته، مراسم نقاره‌زنی و به‌طور کلی رسم نقاره‌زنی وجود داشت. جالب است که در گذشته،

## سفر نامه تا ورنیه

پذیرفته باشد. چنان که می‌توان به «گروگا» یا «گورگه» اشاره کرد. این ساز پس از استقرار قوم مغول در ایران رواج یافت و از این زمان وارد آلات نقاره‌خانه شد. گروگا در واقع نوعی طبل نسبتاً بزرگ بود که در جنگ‌ها با آهنگی مخصوص آن را می‌نواختند. **محمدصادق اصفهانی**، متخلص به «نامی»، وقایع‌نگار مشهور عصر زندیه نیز در «گیتی گشای» مکرر از آن نام برده و از جمله می‌گوید: «از زلزله‌ی دوالی طَبالِ گورگه نواز، ابواب مسرت بر چهره‌ی جهانیان باز شد» [نامی اصفهانی، ۱۳۱۷: ۳۳].

در اصفهان عصر صفوی، نظیر

شهرهای دیگر ایران، در این دوران رسم نقاره‌زنی و اماکنی تحت عنوان نقاره‌خانه وجود داشته است و این رسم و عمل را کاری ارزشمند و شایان توجه تلقی می‌کردند. **شاردن**، سیاح فرانسوی که در زمان سلطنت **شاه سلیمان صفوی** به ایران مسافرت کرد و چند سال نیز در اصفهان بود، درباره‌ی وجود نقاره‌خانه و رسم نقاره‌زنی در اصفهان می‌نویسد: «سمت سر در بازار شاه، دو ایوان سرپوشیده هست که آن را نقاره‌خانه خوانند و هنگام غروب و سحر، نقاره و کوس و دهل که قطر آن سه برابر قطر طبل‌های اروپاست، می‌زنند. محل این نقاره‌خانه در قیصریه‌ی کهنه بود و قبل از زمان **شاه عباس بزرگ** به هنگام شام و سحر نقاره می‌زدند تا آن که میدان شاه را ساختند و نقاره‌خانه به آن جا انتقال یافت» [شاردن، ۱۳۴۵، ج ۷: ۳۲۹-۳۲۰]. او هم چنین می‌نویسد: «در محله‌ی خواجو هم کاخ نقاره‌چیان هندی است که در آن کرناژنان و سایر نوازندگان هندی منزل دارند و **شاه عباس دوم**، به هنگام شکست تیموریان هند و فتح قندهار، عده‌ای از این نوازندگان را به همراه آورده بود» [پیشین].

شاردن در جای دیگری از سفرنامه‌اش می‌نگارد: «در یکی از گوشه‌های میدان محله‌ی عباس‌آباد، نقاره‌خانه‌ای مانند نقاره‌خانه‌ی میدان شاه وجود دارد که غروب آفتاب در آن نقاره می‌زنند و این یکی از امتیازات شهرهای بزرگ است. شاه‌عباس اول برای جلب مردم بدین محله، نقاره‌خانه‌ای به آن جا داد و می‌خواست به محله‌ی جلفا که مسکن

محل نواختن آن عمدتاً در شهرها بوده است و محل نواختن آن را در شهرها، «نقاره‌خانه» و یا «نوبت‌خانه» و یا «کوس‌خانه» می‌گفتند. نقاره یکی از ادواتی بوده که در نقاره‌خانه به کار می‌رفته است. از لحاظ شکل ظاهری، از دو طبل کاسه مانند به هم متصل تشکیل می‌شده که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر و صدایش بم و دیگری کوچک‌تر و صدایش زیر بوده است. روی آن را برای استحکام و دوام بیشتر پوست گاو یا گوسفند سالخورده می‌کشیدند و به وسیله‌ی دو چوب آن را می‌نواختند. بنا بر قولی دیگر، نقاره معمولاً از مس ساخته می‌شده است و در زمان حرکت، آن را بر جهاز شتر می‌بستند و در حال سواری و حرکت می‌نواختند.

«پیش از اسلام و در دوران باستان، ایرانیان نقاره را صبحگاه و شامگاه و به هنگام جنگ و صلح، فتح و پیروزی و تشریفات رسمی سلطنتی و ایام عیش و سرور به کار می‌بردند. هم‌چنین، هنگام برآمدن و فرو شدن خورشید، با زدن نقاره آن را استقبال و بدرقه می‌کردند. و نیز در دوره‌ی اسلامی، نقاره زدن و نقاره‌خانه‌ها پیوسته دایر و متداول بوده است؛ هم‌چنان که **سعدی** علیه‌رحمه نیز می‌فرماید:

گر پنج نوبت به در قصر می‌زنند  
نوبت به دیگری بگذاری و بگذری

در شبانه‌روز پنج نوبت نقاره می‌نواختند» [همان، ص ۳۰۴]. به نظر می‌رسد که در زمان صفویان، به‌ویژه در زمان حاکمیت **شاه‌عباس**، نقاره‌خانه از انحصار دستگاه سلطنت بیرون آمده و امتیاز داشتن آن از طرف شاه به سرداران بزرگ و فرمانروایان ایالات و ولایات بزرگ داده شده است. چنان که **اسکندر بیگ منشی** در کتاب «عالم آرای عباسی»، آن جا که از امرا و خوانین طوایف قزلباش نام می‌برد، می‌نویسد: «هر یک از امرای شاملو صاحب نقاره و علم بودند» [ترکمان، ۱۳۱۴: ۱۳۸].

طبیعی است که پذیرفته شود، در طول زمان در آلات و ادوات نقاره‌خانه تکامل، ازدیاد و یا نقصان صورت





از مراسم ملی و موسیقی نظامی محسوب می‌شد. سازهای موسیقی تا این زمان همان آلات و اسبابی بودند که در نقاره‌خانه‌های عصر صفوی به‌کار می‌رفتند. در این زمان چون در جنگ و تمرین‌های قشونی، آلات و افزار موسیقی اروپایی معمول شده بود، نقاره‌خانه بیشتر جنبه‌ی تشریفاتی به‌خود گرفت و هر صبح و شام و در شب‌های ماه رمضان و اعیاد کار سابق خود را انجام می‌داد و در بقیه‌ی موارد جنبه‌ی تجملی داشت [مشحون، ۱۳۷۳: ۳۰۶].

### پی‌نوشت

۱. دوال: به ضم اول بر وزن جوال به معنی تسمه و جرم و جرمی که به‌جای چوب بر طبل و کوس زنند.
۲. نیم‌لیو: تقریباً معادل چهار کیلومتر.

### منابع

۱. مشحون، حسن. تاریخ موسیقی ایران. چاپ‌خانه‌ی رخ. تهران. چاپ اول، ۱۳۷۳.
۲. ترکمان، اسکندر بیک منشی. عالم آرای عباسی (ج ۱). امیرکبیر. تهران، ۱۳۱۴.
۳. نامی اصفهانی، میرزا محمدصادق موسوی. تاریخ گیتی گشای زنده. به تصحیح سعید نفیسی. انتشارات اقبال. تهران، ۱۳۱۷.
۴. شاردن، سرجان. سیاحت‌نامه‌ی شاردن (ج ۷). ترجمه‌ی محمد عباسی. امیرکبیر. تهران، ۱۳۲۵.
۵. تاورنیه، ژان باتیست. سفرنامه‌ی تاورنیه. ترجمه‌ی ابو تراب نوری. با تجدید نظر دکتر حمید شیرانی. کتاب‌خانه‌ی سنائی و کتاب‌فروشی تأیید اصفهان. چاپ چهارم، ۱۳۶۹.

مسیحیان است و مقارن و مقابل با ساختمان این بخش بنا شده است نیز نقاره‌خانه بدهد. ولی **ارامنه** از ترس خرجی که بر ایشان تحمیل می‌شد، از قبول آن خودداری کردند» [پیشین].

**تاورنیه**، جهانگرد و تاجر فرانسوی که در زمان **شاه صفی** تا عهد شاه سلیمان شش سفر به ایران آمده و کتاب مفصلی از شرح مسافرت خود به یادگار گذاشته است. در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «در ایوان میدان شاه اصفهان، اول غروب و نصف سب نقاره و کرنا مشغول دادن (کنسرت) می‌شوند که صدایش در تمام شهر شنیده می‌شود و به‌خاطر حقیقت و راستی باید گفت که: این موزیک خوش‌آهنگی نیست و کوش‌های ظریف به هیچ‌وجه از آن محفوظ نمی‌شود. در بعضی از نقاط این ایوان، طاق‌های کوچک برای منزل این نقاره‌چی‌ها ساخته شده و در همه‌ی شهرهای خان‌نشین به حکام این امیاز داده شده است که نقاره‌خانه دانسته باشند...» [تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۰۶]. و نیز در جای دیگر سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: «در طلوع و غروب و نصف شب در هر شهری جماعتی موظف‌اند که یک ربع ساعت از اقسام آلات موزیک مثل نقاره و دهل و سرنا و سنج کنسرتی بدهند. این جماعت می‌روند و در یک بلندی می‌ایستند که صدای نقاره به همه‌ی شهر برسد. یک قسم کرنا هم دارند که هفت هشت پا طول دارد و دهانش خیلی گشاد است و صدای آن تا «نیم لیو» مسافت می‌رود. اما کرنا فقط در پایتخت و کرسی ایالت زده می‌شود. در تمام اعیاد و اوقاتی که شاه یک حاکم تازه یا صاحب‌منصب بزرگی معین می‌کند، نقاره‌خانه‌ها می‌کوبند. و این نقاره‌چی‌ها حق دارند که بر هر خانه‌ای که در آن جا اولاد ذکور متولد شده باشد. بروند و نقاره بزنند. صاحب‌خانه نیز مجبور است مبلغی به آن‌ها بدهد...» [همان، ص ۹۳۵ و ۹۳۶].

نقاره‌زنی و نقاره‌خانه هم‌چنان تا زمان **ناصرالدین‌شاه قاجار**